

به نام خدا



سازمان بورس و اوراق بهادار
SECURITIES & EXCHANGE ORGANIZATION

مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی

اقتصاد مقاومتی

بنیین جایگاه بازار سرمایه در سیاستهای اقتصاد مقاومتی

(ویرایش نهایی)

تهیه کننده: محبتی کاوند، سید محمد جواد فرغانیان

چکیده

بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی «تبیین سیاست‌های کلی نظام» بر عهده مقام معظم رهبری است. بر همین اساس ایشان متناسب با شرایط اقتصادی موجود که متأثر از پارامترهای مختلفی و به طور خاص تحریم‌های بین‌المللی است، به طرح نظریه «اقتصاد مقاومتی» پرداختند. نظام اقتصاد مقاومتی ایجاب می‌کند که در بهره‌مندی از منابع کمیاب و ارزشمند اقتصادی حداکثر تدبیر را به کار ببندیم. هر چند دستیابی به کارایی تخصیص، توزیع و مصرف به عنوان اصول اصلی علم اقتصاد شناخته شده‌اند اما در شرایط غیر معمول که راهکارهای متداول و معمول دستیابی به کارایی نظام توزیع و تخصیص و مصرف محدود شده است، چه باید کرد. چاره این موضوع در تبیین اقتصاد مقاومتی دیده شده است. اصطلاحی که نخستین بار در اداره اقتصاد نوار غزه که به شکل همه جانبه توسط اسرائیل مورد تحریم قرار گرفته بود، استفاده شد. در این پژوهش، ضمن تبیین اقتصاد مقاومتی به نقش موثر و مهم بازار سرمایه در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی پرداخته خواهد شد.

مقدمه؛ تبیین اقتصاد مقاومتی

انقلاب اسلامی ایران از بدو پیروزی در سال ۱۳۵۷ همواره با چالش‌ها و موانعی چه در عرصه سیاسی و چه در عرصه اقتصادی مواجه بوده است. مهم‌ترین چالش نیز رویارویی با عراق در جنگ تحمیلی فرسایشی ۸ ساله‌ای بود که البته راهکارهای خاص اقتصادی برای گذار از آن طراحی شد. با این حال موانع بیرونی به‌رغم گذشت ۳۵ سال از پیروزی انقلاب کاسته نشده و شدیدترین فشار اقتصادی متصور برای یک نظام اقتصادی در قالب تحریم‌های بین‌المللی برای کشور در سال ۱۳۹۰ رقم خورد. این اتفاق مسئولان اقتصادی و رهبر انقلاب را به تغییر تاکتیک نظام اقتصادی کشور ترغیب کرد. به‌رغم آن که اصطلاح اقتصاد مقاومتی از زبان اقتصاددانان غزه به ادبیات اقتصادی راه یافته اما ایران پیش‌تر به دلیل درگیری با موضوع تحریم‌ها به‌ویژه از زمان جنگ کم و بیش با مفهوم اقتصاد مقاومتی آشنا بوده و در شکل‌های مختلفی این نظام را به پیش برده است. در این بخش به این اشکال پرداخته می‌شود:

اقتصاد موازی

اگر اقتصاد مقاومتی را نوعی اقتصاد مکمل برای سایر حوزه‌های اقتصادی بدانیم که با تأسیس برخی نهادها به کمک نهاد جامع اقتصادی کشور آمده است، می‌توان آن را «اقتصاد موازی» نامید. در بدو پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس ضرورت و نیاز جامعه، حاکمیت انقلابی آن دوران اقدام به ایجاد و راه‌اندازی نهادهای حمایتی مختلفی از جمله کمیته امداد، جهاد سازندگی، بسیج اقتصادی، بنیاد مسکن و... کرد. این شیوه ضمن آن که به مدیریت انقلابی نیاز دارد، می‌تواند دارای ابعاد مختلفی از محاسن و احیاناً معایب به دلیل هم‌ترازی، تداخل و موازی‌کاری با دستگاه‌هایی که وظیفه ذاتی امری را عهده‌دار هستند، باشد.

اقتصاد ترمیمی

دومین هم‌خوانی اقتصاد مقاومتی که ذاتاً در پی «خلل‌ناپذیری»، «آسیب‌گریزی»، «مقاوم‌سازی» و «ترمیم‌گری» برخی سازمان‌های فرسوده و بدون استفاده موجود است با اصطلاح «اقتصاد ترمیمی» شناخته می‌شود. اقتصاد ترمیمی در صدد است تا با اصلاح ساختار اجرایی و فرهنگی، و نظام اقتصادی کشور، راه برون‌رفت از پیامدهای نامطلوب حاصل را بیابد و با کم‌ترین هزینه از آن عبور کند.

اقتصاد دفاعی

گفتمان سوم برای اقتصاد مقاومتی، «اقتصاد دفاعی» است. در این حالت، هجده‌های مختلفی که در برهه‌ای مشخص از زمان به صورت ارادی و فورس ماژور بر کشور ایجاد می‌شود که دستگاه‌های حاکمیتی موجود قدرت «پدافند» و دفاع در مواجهه با این حملات را ندارند. طرح اقتصاد مقاومتی می‌تواند به عنوان اقتصادی تدافعی مطرح شود. در این تعریف، ضرورت دارد تا شدت هجمه و حملات و اثربخش بودن بر بدنه اقتصادی کشور تشخیص داده شود تا بتوان نقش دفاعی فعال، مثبت و فراگیری را از جوانب مختلف ایفا کرد.

به عبارت دیگر منظور از اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که توانایی پویایی و پایداری در شرایط مختلف را به همراه دارد. اقتصاد مقاومتی قادر است بحران‌ها را تحمل و آن را هضم کند. همچنین، کمبودها را حذف و رشد و توسعه و پیشرفت را هدف قرار دهد و در مسیر حرکت به هدف از ثبات برخوردار باشد. ساختار اقتصاد مقاومتی به گونه‌ای است که در برابر بحران‌ها قادر است فشار را برگرداند. اقتصاد مقاومتی با مفهوم مقاومت اقتصادی متفاوت است چرا که یکی از خصیصه‌های اقتصاد مقاومتی، مقاومت اقتصادی در شرایط سخت است و علاوه بر آن نسبت به شرایط عادی هم راه کار دارد. اقتصاد مقاومتی در برخی خصیصه‌ها با اقتصاد در حال تحریم اشتراک دارد ولی غیر از آن است زیرا اگر اقتصاد مقاومتی به خوبی شکل گیرد در حال تحریم نیز می‌تواند پایدار بماند و از فرصت به دست آمده کمال استفاده را ببرد. اقتصاد مقاومتی متفاوت با اقتصاد در حال بحران است زیرا اقتصاد مقاومتی اختصاص به وضع بحران ندارد. اگر در طراحی اقتصاد مقاومتی شرایط ایران لحاظ و از الگوی اسلامی بهره‌گیری شود، اقتصاد مقاومتی همان الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت خواهد شد.

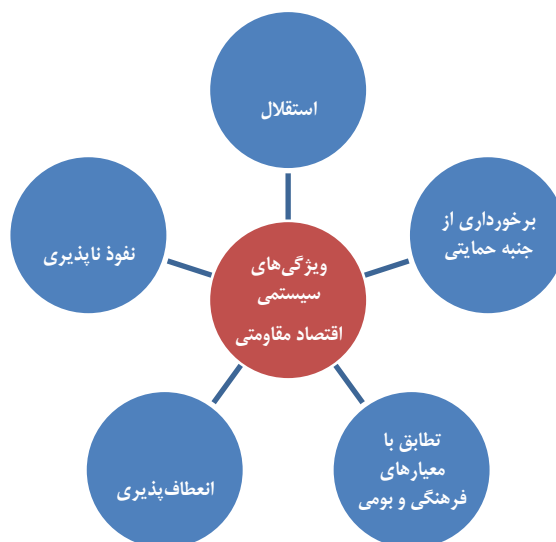
اقتصاد حمایتی

در اقتصاد مقاومتی لازم است شرایط مختلف (رکود، رونق و...) لحاظ گردد و عناصر و متغیرهای درون اقتصادی به گونه‌ای با هم تعامل کنند که بتواند انعطاف مناسب داشته باشد. اگر شرایط رکود رخ دهد باید ابزارهایی تعبیه شده باشد تا آن را از رکود خارج کند. در واقع، تثبیت‌کننده‌های خودکار در آن نهادینه شده که متناسب با پدیده‌ها عمل می‌کند و اقتصاد را دوباره به حالت پایدار بر می‌گرداند. امروزه بر اهل فن روشن است که صحت عملکرد اقتصاد فقط به صحت عملکرد متغیرهای درآمد، هزینه، سود، دستمزد و... وابسته نیست بلکه تمامی متغیرهای ظاهری اقتصاد در فضای باطنی اقتصاد حرکت صحیح خود را انجام می‌دهند. فضایی که حقوق نهادهای اقتصادی واضح و شفاف باشد، رانت اطلاعاتی وجود نداشته باشد، هزینه مبادلاتی به کمترین مقدار خود برسد، قابلیت‌های محیطی ارتقا یابد، مخاطرات اخلاقی کمتر باشد، مالکیت به عنوان پایه‌ای‌ترین نهاد از حقوق واضح برخوردار باشد، رابطه نهادهای سیاست‌گذار با بخش خصوصی و کیفیت دخالت آن در محیط اقتصاد معلوم گردد و قوانین و مقررات حاکم بر رفتارهای اقتصادی از وضوح مناسب برخوردار باشد تا هزینه مبادلاتی کاهش یابد.

منظور از «اقتصاد حمایتی» ایجاد چتر حمایتی توسط سیاست‌های اقتصادی از بخش‌های مورد نظر فعال در یک فضای کسب و کار می‌باشد. به عنوان نمونه، می‌توان به حمایت از تولیدکنندگان داخلی در مقابل واردات از طریق اعمال تعرفه‌های گمرکی اشاره نمود. البته بی‌شک مفهوم اقتصاد مقاومتی که مورد نظر رهبر انقلاب می‌باشد، عام‌تر از این مفهوم و دربردارنده تمامی شقوق یاد شده است.

می‌توان برای مفهوم اقتصاد مقاومتی دو جنبه متصور بود، اولین جنبه این مفهوم، سیاست‌های حمایتی اقتصادی را در بر می‌گیرد مانند حمایت از تولیدکنندگان داخلی که در بالا توضیح داده شد. دومین جنبه، چهار ویژگی استقلال، نفوذناپذیری، تطابق با

معیارهای بومی و فرهنگی کشور و انعطاف‌پذیری را شامل می‌شود. بدیهی است که تبلور این شاخصه‌ها در تحقق عمده مؤلفه‌های کلاسیک اقتصادی همچون نرخ رشد مناسب، نرخ پایین بیکاری، نرخ تورم پایین، بهره‌وری بالا، ضریب نفوذ فناوری در مشاغل و ... می‌باشد. ولی بعضی از ویژگی‌های جنبه دوم اقتصاد مقاومتی همچون تطابق با معیارهای بومی و نفوذناپذیری، نیازمند تئوری‌پردازی‌ها و سیاستگذاری‌های اقتصادی مخصوص به خود است.



سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری برای اقتصاد مقاومتی

رهبر انقلاب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیش‌رو و برون‌گرا ابلاغ نمودند:

- ۱ - تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به‌منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.
- ۲ - پیشسازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به‌منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.
- ۳ - محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به‌کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.
- ۴ - استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.
- ۵ - سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آن‌ها در ایجاد ارزش، به‌ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.
- ۶ - افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.
- ۷ - تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا).
- ۸ - مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید.
- ۹ - اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.

۱۰- حمایت همه جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق:

- تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم.
- گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز.
- تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات.
- برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید، و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به‌ویژه با کشورهای منطقه.
- استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز.
- ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.

۱۱- توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به‌منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.

۱۲- افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق:

- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان.
- استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی.
- استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.

۱۳- مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق:

- انتخاب مشتریان راهبردی.
- ایجاد تنوع در روش‌های فروش.
- مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش.
- افزایش صادرات گاز.
- افزایش صادرات برق.
- افزایش صادرات پتروشیمی.
- افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی.

۱۴- افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به‌منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، به‌ویژه در میادین مشترک.

۱۵- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.

۱۶- صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید.

۱۷- اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.

۱۸- افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.

۱۹- شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و

۲۰- تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

۲۱- تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.

۲۲- دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد:

- ✓ شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب.
- ✓ رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن.
- ✓ مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به‌هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی.

۲۳- شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار.

۲۴- افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن.

نامه ۱۱ بندی رئیس‌جمهور به معاون اول در مورد اجرای سیاست‌ای اقتصاد مقاومتی

مخاطب برخی از بندهای نامه رئیس‌جمهور، وزارت امور اقتصاد و دارایی است که در نتیجه، مسئولیت‌هایی را نیز متوجه سازمان بورس و اوراق بهادار به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های تابعه این وزارتخانه خواهد کرد. بندهای مربوطه شامل بند ۱: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور و وزارت امور اقتصادی و دارایی، پیشنهادهای لازم، نقشه راه و زمان‌بندی اجرای مواد ۲۴گانه را تهیه و ارائه نمایند؛ و بند ۱۰: وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت امور خارجه و... اقدامات لازم برای تشویق سرمایه‌گذاری خارجی و گسترش و تسهیل تولید و صادرات را معمول دارند؛ می‌باشد. این بندها به‌منظور اجرای سیاست‌های کلی توسط رئیس‌جمهور ابلاغ شده است که در ادامه نقش بازار سرمایه در اجرای هر یک اشاره خواهد شد.

نقش بازار سرمایه در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

در بند ۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی آمده است: حداکثر کردن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط؛

بازار سرمایه آماده است با دریافت نیازهای تأمین مالی از بخش‌های مختلف اقتصادی منابع در دسترس خود را برای رفع این نیازها تجهیز نماید. از سوی دیگر می‌توان به ظرفیت موجود آمده در بازار از جمله زیرساخت‌های فناوری اطلاعات در بازار، ظرفیت نهادهای خودانتظام (از جمله بورس اوراق بهادار تهران، فرابورس ایران، بورس کالای ایران و بورس انرژی و کانون‌ها) و نیز نهادهای متنوع مالی مانند شرکت‌های تأمین سرمایه، شرکت‌های مشاوره سرمایه‌گذاری، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و ابزارهای مالی اسلامی متنوع که پس از تصویب قانون بورس اوراق بهادار با همت سازمان بورس و فعالان بازار ایجاد شده‌اند، اشاره کرد. مجموعه نهادهای و بورس‌های کشور با هدف مشارکت آحاد مردم در سرمایه‌گذاری از طریق تأمین مالی شرکت‌ها در عرضه‌های اولیه و نیز دادوستد در بازار ثانوی تشکیل و تقویت شده‌اند. در راستای بالا بردن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی، نیاز به تقویت بازار اولیه و ثانوی تأمین مالی می‌باشد. در همین راستا کمک به پایداری درآمدهای دولت از منابع بازار سرمایه نیز با استفاده از ظرفیت بخش خصوصی مهیا خواهد شد. سازمان بورس و اوراق بهادار اقداماتی چون کمک به انتشار اوراق خزانه اسلامی مندرج در بودجه کل کشور توسط دولت، کمک به انتشار اوراق مشارکت و سایر اوراق بهادار غیرمشارکتی توسط دولت بر اساس بودجه کل کشور، و کمک به انتشار اوراق سلف نفتی توسط دولت را در دست اجرا دارد. به علاوه برای پررنگ کردن فعالیت و کاستن از ریسک در بازارهای اولیه و ثانوی تمهیداتی اندیشیده شده است از جمله بکارگیری مشتقات مالی نظیر اختیارات معامله و قراردادهای آتی در بورس اوراق بهادار و بورس‌های کالایی. همچنین راه‌اندازی صندوق‌های تضمین و پیشنهاد تأسیس صندوق تثبیت بازار سرمایه دیده شده است. تأسیس نهادهای مالی با موضوع فعالیت جدید نظیر صندوق‌های پروژه، خرید دین، زمین و ساختمان و همچنین طراحی و بکارگیری ابزارهای مالی جدید از جمله صکوک استصناع،

مضاربه، منفعت، مشارکت کاهنده، وکالت سرمایه گذاری، استهلاکی، و اوراق دو سویه ارزی^۱ و... در دستور کار سازمان بورس و اوراق بهادار قرار دارد. بازار سرمایه در راستای تقویت بازار اولیه و کمک به شکوفایی تولیدات داخلی به صورت موضوعی آمادگی خود را برای همکاری با سایر بخش های اقتصادی کشور (بخش های صنعت و معدن، انرژی، مسکن، کشاورزی و خدمات) اعلام می کند.

در زمینه بند دوم یعنی پیشتازی اقتصاد دانش بنیان:

سازمان بورس از طریق ایجاد بازار دارایی های فکری در فرابورس ایران، زیرساخت لازم برای عرضه و تقاضا و نیز شفافیت اطلاعاتی در زمینه خرید و فروش و واگذاری علوم دانش بنیان از جمله حق اختراع، علائم تجاری و... را فراهم نموده است. در کنار این بازار، نهادهای مالی واسط مرتبط با آن نیز امکان مشارکت فعال خواهند یافت. به عنوان مثال، صندوق های سهامی خاص و شرکت های سرمایه گذاری مخاطره پذیر یا سرمایه گذاری های میانی در این عرصه امکان حضور فعال خواهند یافت. در همین ارتباط، دستورالعمل بازار ایده ابلاغ شده و فرابورس آماده انجام اولین معامله ایده در بازار سرمایه است. بازار ایده ظرفیت بالایی برای اتصال دانشگاه و صنعت دارد که جوانان و مبتکران می توانند نوآوری های خود را در این بازار درج کنند و در معرض عرضه موقت یا دائم قرار بدهند. همچنین نهادهای جدید مالی مانند شرکت های تأمین سرمایه و شرکت های مشاوره سرمایه گذاری می توانند به منظور تجاری سازی علوم دانش بنیان در زمینه تأمین مالی تجاری سازی آن مشاوره ارائه نمایند.

در مورد بند سوم یعنی رشد بهره وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت پذیری اقتصاد:

می توان گفت که سازوکار بورس اساساً به منظور رقابت پذیری ایجاد شده است و در ذات خود این خاصیت را دارا می باشد. همچنین نظام مالی با تمام اجزای آن شامل بازارها، ابزارها و نهادهای مالی به منظور کمک به بخش واقعی اقتصاد از طریق سه کارویژه تأمین مالی، تأمین نقدشوندگی و مدیریت ریسک پدید آمده است که این کارویژه ها از طریق بازار اولیه و بازار ثانویه به کمک ابزارهای متنوع مالی صورت می پذیرد. همچنین بورس کالا و انرژی دو بورس مهم به منظور عرضه و تقاضای کالا و انرژی هستند که موجب تقویت رقابت، افزایش شفافیت و کاهش انحصار در عرضه و تقاضا و در نهایت کشف قیمت می شوند.

در مورد بند چهارم یعنی استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره وری، کاهش شدت انرژی و ارتقای شاخص های عدالت اجتماعی:

می توان گفت که بازار سرمایه آیینی از خواست بخش خصوصی در مقابل تصمیمات دولتی است. بازار سرمایه می تواند شاخصی برای شدت اعمال سیاست های هدفمندی باشد چرا که مقصود از هدفمندی یارانه ها بهبود معیشت و افزایش رفاه اجتماعی بوده است. از سوی دیگر بازار سرمایه می تواند وجوه مازادی را که به افراد مشمول بابت هدفمندی یارانه اختصاص می یابد را سازماندهی کرده و با ارائه محصولات متنوع خود به آنان باعث افزایش ثروت ایشان گردد و از سوی دیگر، نیرویی جدید برای چرخش نظام تأمین مالی کشور بیافریند.

^۱ در پیوست مفصل بدان پرداخته خواهد شد.

در بند ششم به افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص اشاره شده است:

در این زمینه می‌توان به ظرفیت‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق تهران، فرابورس ایران و نیز فعالیت بورس کالا اشاره کرد که به دلیل بالا بودن کارایی، این شرکت‌ها قابلیت رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی را دارند و می‌توان از طریق تقویت این شرکت‌ها و اولویت دادن به آن‌ها، زمینه کاهش وابستگی به نهاده‌ها و کالاهای اساسی موضوع تولید این شرکت‌ها را فراهم کرد. مهیا بودن امکان تأمین مالی و افزایش سرمایه شرکت‌های تولیدی و خدماتی بورسی در بازار سرمایه زمینه‌ساز توسعه بیش‌تر آنان در بازار است. تقویت رینگ صادراتی بورس کالا و ارائه مشوق‌هایی برای فعال شدن این بخش می‌تواند از جمله اقدامات سازمان باشد. ضمن آن‌که مطالعات امکان‌سنجی بورس تهراتری یا امکان تبادل بورس‌های کالایی با بازارهای منطقه بدون نیاز به جابجایی وجه (طراحی برات تضمینی) در دستور کار قرار خواهد گرفت تا نیازهای داخلی از کشورهای مجاور برآورده شده و نیز محصولات تولید داخلی به راحتی صادر گردد.

در زمینه بند هفتم یعنی تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا):

در اجرای این بند می‌توان به ظرفیت‌های موجود در بورس کالای ایران اشاره کرد. استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک و اوراق مشتقه، تقویت رینگ صادرات و استفاده بهینه از ظرفیت کشف قیمت در بورس زمینه‌ساز کارایی تخصیص مواد اولیه در کشور خواهد بود. در حال حاضر، عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی، فلزی و پتروشیمی در این بورس انجام می‌شود که نیازمند تقویت و توسعه بیش‌تر است زیرا زمینه‌های انحصار و دلالتی را از بین برده و با ایجاد بازار آزاد و عادلانه ضمن حمایت از عرضه‌کننده، زمینه حذف دلالتان و ورود متقاضیان واقعی کالاها را فراهم می‌آورد. قراردادهای آتی به عنوان ابزارهای مدیریت ریسک نیز تاکنون با استقبال خوبی در بورس کالایی مواجه بوده و می‌توان به ارائه موفق اختیارات معامله در بورس کالا خوشبین بود. از سوی دیگر، توسعه نظام تحویل در بورس کالا از دیگر مقوله‌های موفقیت‌آمیز بودن اجرای این بند خواهد بود.

مدیریت مصرف و اصلاح الگوی مصرف از دیگر ارکان اقتصاد مقاومتی است که در بند ۸ به آن اشاره شده است:

تبیین راهبرد و الگوی ملی سواد مالی منجر به تعریف درستی از پس‌انداز و راه‌های تبدیل آن به سرمایه خواهد شد. تصمیمات سرمایه‌گذاران را از احساسات و هیجانات دور خواهد کرد و ثبات بازارهای مالی را رقم خواهد زد. در این ارتباط، تشویق سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در بورس از مصادیق اصلاح الگوی مصرف و مدیریت صحیح مصرف منابع مالی است که نیازمند آموزش و فرهنگ‌سازی است. چند سالی است سازمان بورس و اوراق بهادار از طریق ایجاد شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس کار آموزش و فرهنگ‌سازی را شروع کرده است که تالار مجازی معاملات سهام نمونه‌ای از کارهای آموزشی در این حوزه است.

در بند ۹ به اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی اشاره شده است:

سازمان بورس و اوراق بهادار در این زمینه یعنی اصلاح نظام مالی در بخش بازار سرمایه به رسالت خود عمل کرده است که قانون بورس اوراق بهادار ۱۳۸۴ و قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی ۱۳۸۸ دو دستاورد بزرگ آن است. همچنین تاکنون در

راستای اجرای این قانون‌ها، اقدامات زیادی به‌منظور تأسیس و توسعه انواع نهادها، ابزارها و بازارهای مالی انجام شده است و در حال حاضر نیز این فعالیت‌ها ادامه دارد. اولین رکن ایجاد ثبات در اقتصاد ملی، تأمین مالی پایدار دولت و کاهش اتکالی دولت به درآمد نفت است. روش‌های دستیابی به این سیاست‌ها از طریق تنوع‌بخشی به منابع تأمین مالی دولت، استفاده بهینه از اموال دولتی؛ و عدالت، جامعیت و کارایی نظام مالیاتی محقق می‌شود. بازار سرمایه به‌منظور تنوع‌بخشی به منابع تأمین مالی دولت می‌تواند اقداماتی از قبیل کمک به انتشار اوراق خزانه اسلامی مندرج در بودجه کل کشور توسط دولت؛ کمک به انتشار اوراق مشارکت و سایر اوراق بهادار غیرمشارکتی توسط دولت بر اساس بودجه کل کشور؛ و کمک به انتشار اوراق سلف نفتی توسط دولت بر اساس بودجه کل کشور را انجام دهد. همچنین ایجاد صندوق ملی تثبیت بازار سرمایه به‌منظور جلوگیری از تلاطمات بورسی و تهیه چارچوبی برای ورود سهام عدالت به بورس از دیگر اقدامات آتی سازمان بورس و اوراق بهادار در ارتباط با این بند از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است.

در مورد بند ۱۰ که حمایت همه‌جانبه و هدفمند از صادرات کالاها و خدمات است:

می‌توان از ظرفیت بورس کالا به‌منظور عرضه و فروش محصولات صادراتی استفاده کرد. همچنین توسعه رینگ صادراتی و نظام تحویل (انبارداری در مبادی گمرکی کشور و حتی در مقاطع بین‌المللی شدن بورس کالا در مراکز مشهور تحویل تجاری) از رموز موفقیت در امر صادرات خواهد بود. همچنین می‌توان از مشوق‌های مالی ویژه برای بالابردن صادرات شرکت‌های بورسی استفاده کرد. به‌علاوه به‌منظور عملیاتی کردن سازوکار مبادلات تهاتری می‌توان با ایجاد بورس تهاتری در رینگ صادراتی بورس‌های کالایی، زمینه تسهیل مبادلات را با کشورهای همسایه فراهم کرد (پیشنهادهای ارائه شده در بند ۶).

در مورد بند ۱۱ که توسعه عمل مناطق آزاد مد نظر است:

می‌توان با تقویت تالار معاملاتی بورس کیش ظرفیت‌های بازار سرمایه به‌منظور سرمایه‌گذاری در آن مناطق را تقویت کرد.

در مورد رهنمودهای بند ۱۲ یعنی توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان و نیز استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای:

سازمان بورس و اوراق بهادار اقداماتی از قبیل عضویت در سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با بازار سرمایه برداشته و یا در حال تلاش است تا به این سازمان‌ها بپیوندد. برخی از این سازمان‌ها عبارتند از: سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار، فدراسیون جهانی بورس‌ها، بانک توسعه اسلامی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی. همچنین می‌توان با تشکیل نهاد تسویه و پایاپای منطقه‌ای زمینه معامله گواهی سپرده سهام اسلامی و... را فراهم کرد.

در زمینه رهنمود صرفه‌جویی با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها و... که در بند ۱۶ اشاره شده است:

می‌توان گفت که بالابردن بهره‌وری از جمله راه‌های صرفه‌جویی است که با استفاده از راه‌کارهای بورسی امکان‌پذیر است چرا که بازارهای بورس پاسخ به پرسش در خصوص تولید توزیع و مصرف را با توجه به معیارهایی نزدیک به بازار رقابت کامل ارائه می‌کنند.

در مورد اصلاح نظام درآمدی دولت که در بند ۱۷ آمده است:

در خصوص راهکارهای اصلاح نظام درآمدی دولت در بندهای ۱ و ۹ به نکاتی اشاره گردید به عنوان تأکید بیش تر می توان به راهکار انتشار اوراق مشارکت و اسناد خزانه اسلامی اشاره کرد که راهکاری مناسب برای تأمین مالی و افزایش انضباط مالی دولت است.

موضوع مبارزه با مفاسد اقتصادی مطرح شده در بند ۱۹، یکی دیگر از ارکان مهم سیاست های اقتصاد مقاومتی است:

این مؤلفه اقتصاد سالم، از جمله مأموریت های سازمان بورس و اوراق بهادار است. بازار سرمایه به طور شفاف و تحت نظارت عمل می کند در نتیجه، مفاسد اقتصادی در آن کم است بنابراین این رکن نیز به عنوان تأکید مؤکد در بازار سرمایه انجام خواهد پذیرفت. زیرساخت های فناوری اطلاعات و سایر تجهیزات مورد نیاز برای این منظور تعبیه شده یا در حال طراحی است.

تقویت فرهنگ جهادی و تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی که در بند ۲۰ و ۲۱ اشاره شده است:

امری نیازمند فرهنگ سازی است که ظرفیت های شرکت اطلاع رسانی و خدمات بورس مسئولیت های سازمان بورس در این حوزه را دنبال می کند.

رصد برنامه های تحریم و مدیریت مخاطرات اقتصادی

این موضوع از جمله برنامه های مستمر واحدهای پژوهش و توسعه سازمان بورس و اوراق بهادار و نهادهای خودانتظام بازار سرمایه است که به طور منظم در حال انجام است. سازمان در پائیز سال ۱۳۹۲ اقدام به تأسیس کمیته برنامه ریزی و مدیریت ریسک نموده است تا مخاطرات آتی بازار را کنترل نماید.

شفاف سازی و روان سازی مطرح شده در بند ۲۳ جزء امور اصلی و وظایف گردانندگان بازار سرمایه می باشد که در حال حاضر در بورس های کالایی و اوراق بهادار دنبال می شود و به مرور سازمان بورس به دنبال تقویت و تصحیح روندها و روال های شفاف سازی است. به طور مشخص، در زمینه شفاف سازی فرایندها و معاملات مقرراتی با عنوان افشای اطلاعات تصویب گردیده و در حال اجرا می باشد.

نقش بازار سرمایه در اقتصاد مقاومتی انکارناپذیر است اما از طرفی هم، باید خود را با اقتصاد مقاومتی تطبیق بدهد. بازار سرمایه باید در مقابل بحران ها و توطئه ها خود را مقاوم کند که نه تنها اثر منفی بر تولید و بازار نگذارد و باعث بی اعتمادی و سلب اعتماد سرمایه گذاران نشود بلکه موجب تسریع افزایش سرمایه شرکت ها و تسریع در پذیرش شرکت ها در بورس گردد. بازار سرمایه در تمام موارد فوق، هم می تواند نقش سازنده ایفا کند و هم می تواند ابزارهای لازم را در راستای تحقق این سیاست ها فراهم نماید. اما شاید دو مقوله بسیار مهم در زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی پیش روی سازمان باشد. نخست، تبیین جایگاه ویژه برای بورس کالا و دیگر استفاده مناسب از ابزارهای کنترل و مدیریت ریسک در قالب مشتقات در بازار سرمایه. علاوه بر این، نظام اقتصادی با توجه به فشاری که اکنون بازارهای پولی کشور تحمل می کنند لازم است تغییر نگرشی از بانک محور به بازار محور داشته باشد که این امر جز با تصمیمات کلان سیاستگذاران کشور قابل تحقق نیست. بر همین اساس توضیحات بیش تری در پیوست ارائه می شود.

نقش بورس‌های کالایی در اقتصاد مقاومتی

بورس‌های کالایی از نهادهای فعال در اقتصاد کشوراند که می‌توانند نقش بسیار مؤثری در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی داشته باشند. نگاهی به عملکرد و سازوکار فعالیت بورس‌های کالا نشان می‌دهد، بسیاری از اهداف تعیین شده در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با استفاده از همین سازوکارها قابل دستیابی است.

۱. اکنون بورس کالای ایران با نزدیک به یک دهه فعالیت و داشتن ارزش معاملاتی معادل با ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۱ و بورس انرژی که اواخر سال گذشته فعالیت خود را آغاز کرد، توانسته‌اند با ایجاد بازاری شفاف، کارآمد و تحت نظارت به تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد به‌عنوان یکی از بندهای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بپردازند.
۲. شفاف‌سازی اقتصاد در حوزه کالایی و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا یکی از مهم‌ترین نتایج فعالیت بورس‌های کالایی بوده است.
۳. با توجه به ثبت تمامی معاملات و نگهداری اسناد آن به‌صورت متمرکز در سیستم‌های معاملاتی بورس‌ها، امکان اجرای آسان و کم‌هزینه و نیز اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی میسر می‌شود.
۴. بورس‌های کالایی با تولید اطلاعات لحظه‌ای درخصوص میزان عرضه، تقاضا و قیمت کالاها ابزاری بسیار مناسب و کارآمد برای شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و شیوه‌ای مناسب برای نظارت بر بازار هستند.
۵. همچنین بورس‌های کالایی با توسعه معاملات ابزارهای نوین مالی می‌توانند به اصلاح و تقویت نظام مالی کشور با هدف پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و تقویت بخش واقعی کمک کنند. در این زمینه قرارداد آتی ارز به‌عنوان یک ابزار جدید پیشنهاد می‌شود.
۶. بورس‌های کالایی با ایجاد قواعد شفاف برای ورود عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان کالا می‌توانند به ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی کمک کنند. این کار با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص و ابزاری برای حمایت همه‌جانبه و هدفمند از صادرات کالاها و خدمات از طریق تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم است.
۷. تابلوی محصولات پتروشیمی در بورس کالای ایران در کنار بورس انرژی می‌تواند با ایجاد تنوع در روش‌های فروش و مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش، به افزایش صادرات برق، افزایش صادرات پتروشیمی و افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی کمک کنند.
۸. یکی از خدمات عمده‌ای که بورس‌ها به اقتصاد داشته‌اند توسعه استاندارد در بازار کالا بوده است. با توجه به سازوکار معاملات در بورس‌ها، کالاها برای این که بتوانند در قالب معاملات بورسی قابلیت تحویل داشته باشند باید مطابق با مشخصات استاندارد که قراردادهای بورس وجود دارند به انبارهای تحت نظارت بورس تحویل داده شوند، بنابراین کالایی که نتواند استانداردهای مشخص شده را احراز کند از سوی انبار تحویل گرفته نمی‌شود، در نتیجه تولیدکنندگان و واردکنندگان کالا برای این که بتوانند کالای خود را از طریق سازوکار بورس به فروش برسانند، باید کالایی مطابق با استاندارد مشخص تولید یا وارد کنند.

حرکت به سمت بازار محوری ضرورت اجتناب‌ناپذیر اقتصاد مقاومتی

در طول ۳۰ سال گذشته در دنیا بازار سرمایه جایگزین بازار پول در تأمین مالی بنگاه‌ها شده و ابزارهای مالی جدید در بورس‌های کالایی و سهام تعریف شده که باید در اقتصاد مقاومتی به این ابزارها توجه داشت. برخی موارد مهم در این ارتباط عبارتند از:

۱ - توجه و تمرکز غرب در مسئله تحریم ایران تکیه بر دولت جمهوری اسلامی ایران است بنابراین خروج دولت به صورت کامل از شرکت‌های تجاری و پیاده‌سازی کامل اصل ۴۴ قانون اساسی و تأکید بر این نکته که شرکت‌های فعال در بورس دیگر هیچ‌گونه وابستگی به دولت ندارند موجب می‌شود دامنه تحریم شامل آن‌ها شود و این مسئله در اقتصاد مقاومتی قابل توجه است.

۲ - افزایش تصاعدی مخارج صندوق‌های بازنشستگی با توجه به تعداد رو به فزونی تعداد بازنشستگان و همچنین بازنشستگان زودتر از موعد، آینده پرداخت حقوق‌های بازنشستگان را با چالش مواجه خواهد کرد. با توجه به حضور غالب صندوق‌های فوق‌الذکر در بورس، ارائه سازوکارهایی برای بازدهی قابل قبول این صندوق‌ها در اقتصاد ضروری است.

۳ - وجود شرکت‌هایی مشمول سهام عدالت در بورس که خواسته یا ناخواسته میلیون‌ها نفر از مردم کشور را درگیر بازار سرمایه کرده است.

۴ - بازار بورس بهترین مرجع برای اعلان هشدارها و پیام‌هایی است که دامن اقتصاد کشور را دیر یا زود خواهد گرفت. به عنوان مثال، وقتی سهم یک بنگاه در بازار بورس به قیمت اسمی آن می‌رسد و افزایش سرمایه در آن بنگاه توجیه‌ناپذیر می‌شود بهترین نماگر برای دولت‌مردان است که سرمایه‌گذاری در آن صنایع فاقد توجیه می‌شود. در حال حاضر، بازارهای بورس کشور نسبت به سابق پیچیده‌تر شده و بورس‌های کالا و انرژی راه‌اندازی شده است. در صورت تعبیر نامناسب از اقتصاد مقاومتی و حرکت به سمت قیمت‌گذاری صرف، این همانند یک عقب‌نشینی در سازوکار کشف قیمتی محصولاتی است که در بورس‌های مذکور مورد معامله قرار می‌گیرند.

ریسک ارزی، چالش مهم اقتصاد مقاومتی

وقوع شرایط اقتصاد مقاومتی این ضرورت را ایجاد کرده است تا مسئولان بازار سرمایه نظیر شرکت‌های تأمین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، برای شکوفایی بیش‌تر آن‌ها و ایفای نقش جدیدتر در فرآیند تأمین مالی و جذب سرمایه، فشارهای بیش‌تری را آورده و موانع پیش‌روی آن‌ها را شناسایی و به‌طور ضربتی برطرف کنند. ریسک ارزی و تبعات پیش‌آمد آن از جمله موانعی است که در اقتصاد ایران تا حد زیادی مغفول مانده است. شوک افزایش نرخ ارز در نتیجه تحریم‌ها در سال‌های گذشته دلیلی است بر این که باید به ریسک نرخ ارز و مدیریت آن توجه ویژه داشت.

ریسک نرخ ارز حاصل تفاوت‌های موجود بین قیمت ارز رایج یک کشور و سایر ارزها می‌باشد و در اثر نوسانات نابرابر نرخ‌های ارز ایجاد می‌شود. این نوع ریسک ممکن است در طول دوره‌ای که بانک دارای قراردادهای داخل یا خارج از ترازنامه، چه به صورت نقدی و چه به صورت سلف بر یک ارز خاص، در اثر تغییرات نامساعد نرخ ارز، دارنده آن را متحمل زیان کند. سستی در کنترل و مهار ریسک نرخ ارز و بی‌ثباتی‌های فرامرزی سرمایه، خود انگیزه مهمی در رشد بی‌رویه بازارهای مالی بین‌المللی گردیده و حجم و رشد معاملات ارزی جهانی به رشد تجارت بین‌المللی و جریان‌ات سرمایه سرعت بخشیده و منجر به ناپایداری بیش‌تر نرخ ارز و در نتیجه بروز هرچه بیش‌تر ریسک نرخ ارز شده است. بنابراین، مدیریت ریسک‌های ارزی به عنوان یکی از وظایف بانک‌های مرکزی کشورها مورد توجه بوده است و به کارگیری ابزاری جهت پوشش ریسک نوسانات ارزی، امروزه شدیداً از سوی کشورهای مختلف دنیا احساس می‌شود.

بحران‌های ارزی همواره گریبان‌گیر کشورهای مختلف بوده است و تاکنون قربانیان زیادی را گرفته است. از جمله بحران‌های ارزی موجود در دهه‌های اخیر، می‌توان به بحران بدهی آمریکای لاتین در سال‌های دهه ۱۹۸۰، بحران سفته‌بازی بر روی ارزها در سال‌های ۱۹۹۰، بحران جنوب آمریکا و بحران شرق آسیا اشاره نمود که محور اصلی در این بحران‌ها کاهش ارزش ارز بوده است. به‌عنوان مثال، در جدول زیر مقادیر کاهش در ارزش پول ملی چند کشور منتخب جنوب شرقی آسیا در خلال سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ نشان داده شده است.

جدول شماره (۱) - درصد کاهش ارزش پول ملی در خلال سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸					
تایلند	فیلیپین	مالزی	کره	اندونزی	میزان کاهش ارزش
۱۹,۶	۱۴,۱	۱۸	۲۱,۹	۴۰,۵	
منبع: صندوق بین‌المللی پول					

این نوسانات ارزی اثرات مخرب فراوانی را برای مردم حوزه‌های اقتصادی متأثر از آن به‌خصوص کشورهای منطقه به دنبال داشت که به‌عنوان مثال می‌توان به کاهش در تراز حساب جاری کشورها اشاره نمود. برای نشان دادن این امر، در جدول زیر میزان این کاهش را به‌صورت درصد کاهش در تراز حساب جاری نسبت به GDP برای متوسط سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ و سال ۱۹۹۸ ارائه می‌دهیم.

جدول شماره (۲) - درصد کاهش در تراز حساب جاری نسبت به GDP برای متوسط سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ و سال ۱۹۹۸					
تایلند	فیلیپین	مالزی	کره	اندونزی	درصد کاهش
۱۸,۸	۶,۸	۱۹,۶	۱۵,۱	۶,۸	
منبع: صندوق بین‌المللی پول					

در جریان این بحران، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، سیاست‌های درمانی زیادی را برای کشورهای منطقه تجویز کردند که نتایج رضایت‌بخشی به دنبال نداشت و به‌کارگیری این سیاست‌ها، سبب فروپاشی اقتصادی اندونزی، تایلند و... شد و شورش‌های مردمی در این کشورها را به دنبال داشت. در این میان، مالزی حاضر نشد به سیاست‌ها و نسخه‌های بانک جهانی تن در دهد و برخلاف توصیه‌های بانک جهانی، قیمت ارز را تثبیت کرد، نرخ بهره را پایین آورد و محدودیت‌های فوق‌العاده زیادی را بر خروج سرمایه اعمال کرد. انجام این تدابیر سبب شد این کشور، با کمترین هزینه، از بحران عبور کند و اقتصاد پیش‌تاز منطقه جنوب شرقی آسیا لقب گیرد.

از دیگر موارد بروز بحران‌های اجتماعی می‌توان به بحران حوزه یورو اشاره داشت. یورو در سالیان اخیر، پس از دلار آمریکا، رایج‌ترین ارز دنیا و دومین ارز پر تجارت در جهان به شمار می‌رود. ارز رسمی حوزه یورو، بیش از ده سال قبل متولد شد و هم‌اینک، تعداد ۱۷ کشور از ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا را در بر می‌گیرد. به‌گونه‌ای که روزانه بیش از ۳۳۲ میلیون نفر درقاره سبز از این ارز استفاده و با به‌کارگیری آن، مبادله می‌کنند. اما پس از ده سال از رواج یورو، از آغاز سال ۲۰۱۲ میلادی هیچ چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای درباره اقتصاد حوزه یورو به چشم نمی‌خورد، به‌گونه‌ای که کارشناسان گویی همه منتظر یک خبر بد هستند. به هر حال، با گسترش بحران حوزه یورو، بسیاری از شاخص‌های اقتصادی تحت تأثیرات منفی قرار گرفته‌اند و اقتصاددانان فعال در این حوزه به دنبال راه‌حل برون رفت از بحران می‌باشند.

در ایران نیز تغییرات وسیع نرخ ارز در خلال سال‌های اخیر و تأثیرات مخرب آن بر بخش‌های تولیدی و ایجاد تورم‌های ناشی از افزایش هزینه اقلام وارداتی تجربه شده است. بسیاری از طرح‌های صنعتی که هنگام راه‌اندازی و مطالعه اقتصادی بر اساس نرخ ارز آن زمان سودآور بوده‌اند، بعد از کاهش ارزش ریال، به دلیل اتکا به مواد اولیه‌ی وارداتی زیان‌ده گردیده‌اند و شرکت‌ها نیز رو به ورشکستگی نهاده‌اند.

با این توصیفات می‌توان درک نمود که جایگاه مدیریت ریسک نوسانات ارزی به چه صورت می‌باشد. زمانی که ریسک ارزی شناسایی و مشخص شود، بخشی از مدیریت ریسک ارزی تحقق می‌یابد، اما تکنیک‌هایی برای پوشش ریسک‌های ارزی ساخته شده‌اند که می‌توانند آن‌ها را اداره نمایند. تکنیک‌های مرسوم موجود به‌طور کلی به دو بخش تقسیم می‌شود؛ تکنیک‌های پوششی کوتاه‌مدت^۲ و تکنیک‌های پوششی بلندمدت^۳. از جمله روش‌های پوششی کوتاه‌مدت عبارتند از: (۱) قراردادهای سلف^۴، (۲) قراردادهای آتی‌ها^۵، (۳) قراردادهای اختیار معامله^۶، (۴) استفاده از بازار پول و ... از روش‌های پوشش ریسک در بازه بلندمدت نیز می‌توان به (۱) وام‌های متقابل^۷ و (۲) قراردادهای سوآپ^۸ اشاره نمود که بسیاری از آن‌ها در چارچوب بازارهای مشتقات مالی قابل تعریف می‌باشد.

«اوراق دوسویه ارزی» (BCP)

یکی از عرصه‌های تعامل اقتصاد کشورمان با اقتصاد بین‌المللی عبارت از تبادلات ارزی بین‌بانکی و به تبع آن اندوخته‌های ارزی می‌باشد. از آن‌جا که اندوخته‌های ارزی به‌مثابه ثروت ملی به حساب می‌آیند، همواره بایستی با مدیریت به‌هنگام و صحیح سبد دارایی‌های ارزی، حفظ ارزش این اندوخته‌ها را مورد حفاظت قرار داد. اصطلاحاً ارزش ارز همواره با ریسک‌هایی مواجه است که باعث کاهش ارزش^۹ ارز می‌گردند. در اصطلاح علمی بایستی معاملات ارزی را در مقابل ریسک‌های مترتبه پوشش داد^{۱۰}. بدین منظور روش‌های متعددی همچون تنوع‌سازی در سبد ارزی، استفاده از قراردادهای بازارهای مشتقه مالی، وام‌های متقابل و ... وجود دارد که هر کدام در جای خود قابل بررسی هستند. اوراق دو سویه ارزی یکی از روش‌های پوشش ریسک دارایی‌های ارزی است به‌صورتی که در بستر اقتصاد مقاومتی می‌توان از آن به عنوان یک الگوی منطبق با اصول موضوعه شرعی یاد نمود.

بازار سرمایه در یک اقتصاد فعال در پی ارتباط میان صاحبان سرمایه و متقاضیان آن است. سرمایه‌گذاران در صورتی سرمایه‌گذاری می‌کنند که با ریسک کم‌تری مواجه باشند در غیر این‌صورت امکان استفاده از سرمایه آن‌ها کم می‌شود. افراد حاضر در بازار سرمایه بسیار متنوع هستند و درجه ریسک‌پذیری آن‌ها متفاوت است. بازار سرمایه برای پایداری و مقاومت در برابر شرایط گوناگون باید بتواند حداقل افراد را به‌منظور سرمایه‌گذاری جذب کند. حضور سرمایه‌گذاران خرد و کلان باعث می‌شود منافع بازار سرمایه میان تعداد زیادی توزیع شود و فقط صاحبان ثروت از آن استفاده نکنند. کاهش ریسک نیازمند حضور ابزارهای مالی متنوع است. ابزارهای مالی در یک پوشش اقتصادی و حقوقی عمل می‌کنند. پوشش حقوقی ابزار مالی در یک اقتصاد مقاومتی مبتنی بر الگوی اسلامی باید با فقه اسلامی هماهنگ باشد. فقه اسلامی توانایی طراحی انواع ابزارهای مالی پوشش ریسک را دارد. از این‌رو،

² Short Term Hedging Techniques

³ Long Term Hedging Techniques

⁴ Forward Contracts

⁵ Futures Contracts

⁶ Option Contracts

⁷ Option Contracts

⁸ Option Contracts

⁹ Depreciation

^{۱۰} Hedging

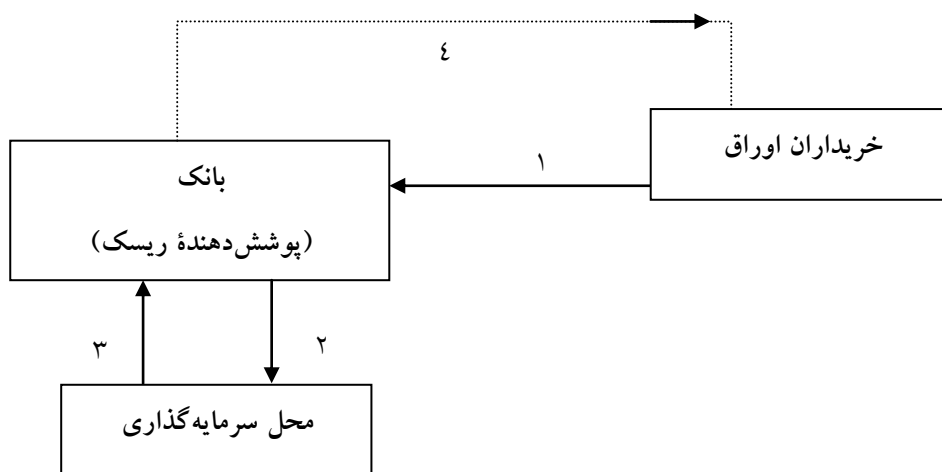
الگوی اقتصاد مقاومتی در بخش سرمایه اگر با شرایط و روحیه‌های مردم ایران شکل گیرد، با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هماهنگ خواهد بود.

فرض کنید که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، با کاهش ارزش احتمالی ریال‌های موجود در حساب‌های ذخیره خود مواجه می‌باشد. این نهاد به عنوان پوشش دهنده ریسک^{۱۱}، با کاهش ارزش پول کشور مواجه می‌باشد. در این صورت بانک مایل است تا با فروش درآمدهای ریالی آتی خود، به خرید ارزی که بنابر پیش‌بینی قیمت آن در آینده با ثبات‌تر می‌باشد، بپردازد چرا که با این روش می‌تواند خود را در مقابل کاهش ارزش ریال پوشش دهد. از طرفی قصد دارد تا با مربوط کردن معامله پوششی خود به بخش واقعی اقتصاد، جنبه شرعی معامله‌ی خود را مورد تأکید قرار دهد.

فرض کنیم که در بازار ارزی، معامله‌گری باشد که درست عکس انتظارات بانک مرکزی کشورمان، انتظار ثبات ارزش ریال و یا حتی افزایش ارزش آن را در مقابل ارزهای خارجی داشته باشد.

از طرف دیگر بسیاری از پروژه‌های سرمایه‌گذاری در داخل کشور وجود دارند که با مشکل کمبود نقدینگی مواجه هستند. در چنین حالتی دولت می‌تواند با تعریف پروژه‌های ملی به‌عنوان پروژه‌های مشارکتی و انتشار اوراق دوسویه به جذب منابع سرگردان سرمایه‌ای جهت تزریق به این طرح‌ها مبادرت ورزد. در این صورت، بانک مرکزی اوراق مشارکت مربوط به این پروژه‌ها را در ازای دریافت پول خارجی - که انتظار افزایش و یا حداقل ثبات ارزش آن را دارد - به طرف خارجی به فروش می‌رساند و در مقابل سود یا اصل یا هر دوی سود و اصل مربوط به مبلغ خرید این اوراق را به صورت پرداخت‌های ریالی، به طرف خارجی یا سرمایه‌گذاران داخلی متعهد می‌گردد. بدیهی است که منظور از سود در اینجا سودی است که بابت اقدام ناشران اوراق در سرمایه‌گذاری مبالغ جمع‌آوری شده در طرح‌های اقتصادی به دست آمده است.

در این صورت از یک طرف ریسک کاهش ارزش ارز داخلی پوشش داده شده یا احیاناً از سود حاصل از پیش‌بینی درست تغییر نرخ ارز استفاده می‌شود و از سوی دیگر منابع مالی خرد و یا کلان جهت تأمین هزینه‌های پروژه‌ها تأمین می‌گردند. در شکل زیر فرآیند انتشار این اوراق به نمایش درآمده است.



¹¹ Hedger

توضیح مراحل؛ (در این نمودار تنها جریانات وجوه مشخص شده‌اند)

۱. فروش اوراق دوسویه و دریافت بهای اوراق بر حسب ارزش مخاطب (ارزش با ثبات و با ارزش بیشتر در زمان آتی)
۲. انتقال وجوه دریافتی به محل سرمایه‌گذاری اوراق
۳. دریافت اصل و احیاناً سود سرمایه‌گذاری از محل اجرای پروژه
۴. بازپرداخت بهای اوراق بر حسب ریال (ارز در معرض ریسک کاهش ارزش)

مزایای استفاده از «اوراق دوسویه ارزی»

۱. تأمین مالی طرح‌های نیازمند به نقدینگی
۲. ایجاد جریان سود علاوه بر اصل مبلغ دریافتی به تأمین‌کنندگان اولیه منابع مالی
۳. پوشش بخشی از ریسک نوسانات ارزی

صندوق ارزی و قرارداد آتی ارز؛ نهاد و ابزار مالی جدید به منظور تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی

در شرایط تحریم به دلیل وجود نوسان‌های ارزی، مشکلات بسیاری برای بنگاه‌های اقتصادی از جمله شرکت‌های بورسی و به طور ویژه شرکت‌های وارداتی به وجود می‌آید. از این رو با توجه به اصول اقتصاد مقاومتی راه‌کارهایی در این زمینه به کار برد تا با استفاده بهینه منابع به ویژه در زمینه منابع ارزی، بر مشکلات فائق آمد. بر این اساس، تعیین نرخ ارز یکی از مهم‌ترین مسائل فعلی اقتصاد کشور است. نرخ برابری ارز نسبت به ریال باید طوری تعیین شود تا فعالان اقتصادی بتوانند بر اساس آن برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری کنند بنابراین باید سازوکار تعیین نرخ بر اساس عرضه و تقاضا باشد. اگر این سازوکار ملاک محاسبه قرار گیرد، سرمایه‌گذاری ریسک کمتری خواهد داشت. از طرف دیگر، راه‌اندازی قراردادهای آتی در بورس کالا می‌تواند به شفاف شدن و قابل پیش‌بینی بودن نرخ ارز کمک شایانی کند. قرارداد آتی نرخ ارز، ریسک نوسان‌های نرخ ارز را پوشش می‌دهد و بر مبنای آن سرمایه‌گذار و یا فعال اقتصادی می‌تواند روند نوسان‌های نرخ ارز را پیش‌بینی کند و فعالیت‌های اقتصادی خود بر اساس آن تنظیم کند. از طرف دیگر، راه‌اندازی قرارداد آتی در بورس کالا برای دولت نیز مقرون به صرفه است چرا که نیاز به هزینه ندارد و حتی به شفاف شدن نرخ ارز نیز می‌انجامد.

راه‌اندازی صندوق‌های ارزی یکی دیگر از راه‌کارها برای استفاده بهینه از منابع در جهت پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی است. در حال حاضر، مبالغ دلاری زیادی در دست مردم وجود دارد. این منابع را می‌توان با راه‌اندازی صندوق ارزی جذب کرد و در اختیار نظام بانکی برای تأمین منابع مالی قرار داد. البته باید نظام بانکی کشور متعهد شود هر زمان سپرده‌گذار منابع ارزی خود را بخواهد، از صندوق ارزی برداشت کند. از سوی دیگر، توجه جدی به بورس نفت و قیمت‌گذاری نفت خام از این روش باعث خواهد شد تا بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری وارد میدان شود. اگر خرید و فروش نفت در بورس نفت با اقبال مواجه شود، از این طریق بخش خصوصی می‌تواند منابع ارزی حاصل از فروش نفت را به داخل کشور انتقال دهد. در شرایطی که نظام بانکی کشور به دلیل حضور شرکت‌های خصوصی می‌تواند تا حدودی از بار مشکلات در این زمینه بکاهد، با به کارگیری عوامل ذکر شده و همچنین ثبات در نرخ ارز می‌توان توسعه و رشد را در شرایط اقتصاد مقاومتی محقق کرد.

۱. ابوالحسنی، اصغر و احمد بهاروندی، اوراق دوسویه ارزی، رویه‌ای برای معاملات ارزی در یک اقتصاد مقاومتی نوعی، دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره دوم، پیاپی ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۹۲-۱۰۴.
۲. ایرانی، محمدجعفر، اقتصاد مقاومتی نتیجه سوء مدیریت اجرایی، ماهنامه بازار و سرمایه، سال سوم، شماره ۳۳، آذر ۱۳۹۱.
۳. خدارحمی، بهروز، اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصاد بدون نفت، ماهنامه بازار و سرمایه، سال سوم، شماره ۳۳، آذر ۱۳۹۱.
۴. رضایی، مجید، اقتصاد مقاوتی و بازار سرمایه، ماهنامه بازار و سرمایه، سال سوم، شماره ۳۳، آذر ۱۳۹۱.
۵. شهرآبادی، ابوالفضل، اقتصاد مقاومتی و نقش نهادهای مالی در آن، ماهنامه بازار و سرمایه، سال سوم، شماره ۳۳، آذر ۱۳۹۱.
۶. محسنی‌دمنه، قاسم، ابزارهای جدید ارزی راه تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی، ماهنامه بازار و سرمایه، سال سوم، شماره ۳۳، آذر ۱۳۹۱.